

نقاشی آرزوهای بچه‌های بندرانزلی روی بادبان / خشت اول برای بچه‌های خرانق

گاهی آرزوهای بچه‌ها را روی دیوار یا بادبان قایق نقاشی می‌کنند و گاهی هم برای آموزش آن‌ها تا ۲۰ کیلومتری مرز ایران و افغانستان می‌روند تا اطلاعاتی را فراتر از آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند، به کودکان و نوجوانان بدهند و فرهنگ بسازند.

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از ایسنا، کلاس پرنده نام پروژه‌ای است که اجرای آن از سال ۱۳۹۱ شروع شده تا با دادن آموزش‌های متفاوت در مناطق مختلف به کودکان و نوجوانان، قوه تخیل آن‌ها را تقویت و همچنین فرهنگ‌سازی کند.

این گروه اولین پروژه خود را در منطقه‌ای به نام بارنجگان در ۲۰ کیلومتری مرز ایران و افغانستان شروع کرد و برای انجام پروژه دوم به ایلام و روستای تخم بلوط رفت تا به کودکان و نوجوانان آموزش دهد که درخت بلوط هویت آن منطقه است و نباید با از بین بردن آن، محیط زیست را تخریب کرد.

در جست‌وجوی باران سومین پروژه‌ای بود که این گروه در روستای حاجی‌آباد (خراسان جنوبی) و با خشکسالی آن منطقه شروع کرد و در این‌باره آموزش‌هایی را به کودکان و نوجوانان داد. چرخ گردون در تهران، پسران باد در بندر انزلی و هوادار کوچک در تهران، از دیگر کارهای پروژه کلاس پرنده است و اکنون نیز در حال اجرای خشت اول است.

مجتبی کلارستاقی - مدیر اجرایی پروژه کلاس پرنده - درباره آن به ایسنا توضیح داد: چند روز پیش به روستای خرانق سفر کردیم تا با کمک دانش‌آموزان مدرسه شهید حمیدیا و مشارکت بنیاد نهال سپید پروژه هفتم خود را اجرایی کنیم. روستای خرانق دو بافت جدید و قدیم دارد و هر روز، گردشگران زیادی از سراسر جهان از آن دیدن می‌کنند.

او اظهار کرد: نهال سپید نام گروهی از معماران داوطلب است که با رویکرد ساخت مدرسه در مناطق محروم کشور فعالیت می‌کند. این بنیاد با نقد معماری مدارس، در بهبود طراحی فضای آن تلاش می‌کند. در بیشتر مدارس روستایی، کمیت بر کیفیت ارجحیت دارد و به همین دلیل، مساحت و هزینه زیادی برای ساخت مدرسه صرف می‌شود. این در حالی است که بسیاری از روستاهای کشور، به مدرسه‌ای با چنین فضایی نیاز ندارند.

ساخت اتاق باران برای کودکان روستای حاجی‌آباد

مدیر اجرایی پروژه کلاس پرنده گفت: اعضای گروه نهال سپید برای ساخت مدرسه دور هم جمع شده‌اند، با این تفاوت که علاوه بر ساخت مدرسه، کارهای فرهنگی هم انجام می‌دهند. قرار نیست مدرسه‌ای که می‌سازند مثل مدرسه‌های دیگر باشد، بلکه قرار است معماری مدرسه با آداب و رسوم و فرهنگ همان منطقه منطبق باشد تا بچه‌ها آن را دوست داشته باشند. ایده اصلی ما این بود که از بچه‌ها بخواهیم درباره مدرسه مورد علاقه‌شان صحبت کنند تا متوجه شویم این مدرسه باید چه عناصری داشته باشد و دوستان معمار ما، با توجه به تیم روانشناسی کودکی که دارند، از این ایده‌ها الهام بگیرند و در طرح اصلی استفاده کنند.

کلارستاقی بیان کرد: به همین دلیل سعی کردیم اول با بچه‌ها دوست شویم. بنابراین یک نمایش خیمه‌شب‌بازی با همکاری موزه اسباب‌بازی سیار برگزار کردیم. سپس با استفاده از رنگ‌های اکریلیک بدون سرب و با تدارک پارچه‌ی بوم نقاشی، سعی کردیم به حس و تخیل بچه‌ها قدرت ببخشیم تا با اعتماد به نفس بیشتری به خلاقیت بپردازند و ایده‌پردازی کنند و در قسمت پایانی پروژه، بچه‌ها جواب سوال‌های ما را روی بوم تصویرسازی کردند.

مدیر اجرایی این پروژه با بیان این‌که نام این پروژه را خشت اول گذاشته‌اند، تا اولین خشت این کار را درست بگذارند، گفت: در منطقه خرائق، سه دوره تحصیلی با هم درس می‌خوانند. آنجا مدرسه ابتدایی ندارد و خیلی از خانواده‌ها به دلیل مسافت زیاد اجازه نمی‌دهند فرزندان‌شان برای تحصیل به شهرهای اطراف بروند و این موضوع موجب مهاجرت مردم شده و به نوعی بافت روستایی در حال فنا شدن است. به همین دلیل، نیازسنجی کردند و به این نتیجه رسیدند مدرسه‌ای که چندان بزرگ نباشد، بسازند تا کتابخانه داشته و منطبق بر جغرافیا و آداب و رسوم آن منطقه باشد.

او درباره این‌که چگونه شد تصمیم به انجام چنین کاری گرفتند، توضیح داد: خاستگاه اصلی ما، کودکان و نوجوانان هستند و تصمیم گرفتیم آموزش‌هایی را به آن‌ها بدهیم که در مدرسه به آن‌ها داده نمی‌شد. در واقع، هدف اصلی ما فرهنگ‌سازی و ترویج یک اتفاق خوب است. برای مثال در پروژه‌ای که برای خشکسالی روستای حاجی‌آباد خراسان جنوبی اجرا کردیم، یک اتاق باران ساختیم. خشکسالی در آن منطقه موجب شده بود که بسیاری از مردم، شغل خود را از دست بدهند و از اطراف به روستای حاجی‌آباد که نزدیک بیرجند است، مهاجرت کنند، آن‌ها صبح‌ها در بیرجند، کارگری می‌کردند و شب‌ها هم به حاجی‌آباد برمی‌گشتند.

نقاشی آرزوهای بچه‌های بندرانزلی روی بادبان

کلارستاقی افزود: چون این روستا شلوغ شده بود و مدرسه‌ای در آن ساخته بودند، ما برای انجام یکسری کارها به آنجا رفتیم و راهروی مدرسه را به اتاق باران تبدیل کردیم و با استفاده از بذر گیاهان و میخ، داخل توپ‌ها و میله‌ها را پر کردیم که وقتی آن را تکان می‌دادند، صدای باران می‌داد. این ابزار را خود بچه‌ها ساختند و ما هم آن‌ها را با نخ از سقف آویزان کردیم.

مدیر اجرایی این پروژه درباره نتایجی که از این کار گرفتند، توضیح داد: بچه‌ها با ما همکاری خوبی داشتند. در برخی موارد آموزش‌هایی را که به آن‌ها داده بودیم، به خانواده‌های‌شان هم منتقل می‌کردند. بچه‌ها مثل زمین حاصلخیزی هستند که وقتی آموزش درستی می‌بینند، عکس‌العمل نشان می‌دهند و می‌توانند به خودشان و جامعه کمک کنند و بارور شوند.

او درباره همکاری مسئولان مدارس با این گروه، گفت: برخی به راحتی و برخی دیگر هم به سختی این همکاری را می‌پذیرند، برخی هم اصلاً نمی‌پذیرفتند که با ما همکاری داشته باشند. این ارتباط، تعاملی است. وقتی متوجه می‌شوند تصمیم داریم یک کار فرهنگی انجام دهیم که بچه‌ها هم از آن استقبال می‌کنند، همکاری می‌کنند. تا کنون نیز در همه این پروژه‌ها، بچه‌ها از تیم و فعالیت‌های ما استقبال کرده‌اند.

کلارستاقی اضافه کرد: ما تیمی با تخصص‌های مختلف از مدیریت، روانشناسی، گرافیک، مشاوره و .. داریم که دور هم جمع می‌شویم، معضل را وسط می‌گذاریم و از شیوه‌ها و نگاه‌های مختلف به آن نگاه می‌کنیم تا ببینیم چطور می‌توانیم آن را با شیوه خودمان حل کنیم. سارا طیب‌زاده، ساقی انتظامی، محسن محمودی، عطا مجابی، سحر یوسف‌زاده، علی خالقی‌ملاطی، ریحانه تیزمغز، محمد نظاری، امیر سهرابی (موزه اسباب‌بازی سیار)، مه‌ری رحیم‌زاده و پرستو حقی، اعضای تیم کلاس پرنده را در این پروژه تشکیل می‌دهند.

منتشر کننده: زهره حاجیان

۷۰۰۷۰۰